

الزامات مبارزه با پول شویی در حقوق کیفری ایران در پرتو حقوق کیفری فراملی

توحید شفیق زاده دیزجی^۱

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه
شهید بهشتی

محمدعلی اردبیلی^۲

استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۴/۲۰

چکیده

امروزه شیوه ارتکاب جرایم دگرگون شده و دیگر محدود به داخل مرزهای فیزیکی دولت‌ها نیست. جرایمی که شکل فراملی به خود گرفته‌اند ارزش‌های اساسی زندگی بشری را، به مانند جرایم حقوق کیفری بین‌المللی نقض نمی‌کنند بلکه منجر به نگرانی‌های بین‌المللی می‌گردند. ناتوانی دولت‌ها در مبارزه انفرادی با این جرایم منجر به گرایش آنها به تدوین نظام یا حداقل راهبردی فرادولتی مبتنی بر همکاری منطقه‌ای شده است که البته این نظام یا راهبرد نیز با موانعی همچون اصل حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور دولت‌ها روبه‌روست.

پول‌شویی یک جرم فراملی است که می‌تواند زمینه را برای جرایم دیگر نیز فراهم کند. از این رو مبارزه با آن مستلزم اتخاذ تدابیر ویژه‌ای است؛ از جمله همکاری دولت‌ها. در قانون مبارزه با پول‌شویی ۱۳۸۶ به همکاری‌های بین‌المللی توجه شده اما ایراداتی اساسی بر آن وارد است که منجر به ناکارآمدی چنین همکاری‌هایی می‌شود. بنابراین بستر جدید و تدابیری موثر نیاز است. به نظر می‌رسد سازمان آکو به دلیل ساختار، سابقه و هدف اصلی آن که ارتقای اقتصاد دولت‌های عضو است و این هدف مستقیماً توسط پول-شویی تهدید می‌شود، مناسب‌ترین بستر بین‌الدولی برای مبارزه با پول‌شویی است. این همکاری می‌تواند بر مبنای به رسمیت شناختن متقابل تصمیمات قضایی شکل گیرد.

۱- نویسنده مسئول: Tohid.shafizadeh@gmail.com

واژه‌های کلیدی: پول‌شویی، جرم فراملی، حقوق کیفری فراملی، مدل همکاری، موافقت‌نامه همکاری.

مقدمه

پول‌شویی را به فرآیندی تعریف می‌کنند که طی آن درآمد ناشی از جرایم، از جمله قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه و ... که در واقع پول نامشروع و غیرقانونی است، به پول مشروع و قانونی که منبع آن پوشیده است تبدیل می‌گردد (Saki, 2016; 22). پول‌شویی آثار زیان‌بار فراوانی دارد. اولین اثر مهم آن به ایجاد اختلال در نظام اقتصادی و ناپایداری سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود زیرا در عمل منجر به اختصاص منابع برای فعالیت‌های تولیدی ضعیف می‌گردد (Schneider et al, 2008: 387-384). دیگر آسیب جدی پول‌شویی، ریسک‌هایی است که برای اعتبار و خوش‌نامی موسسات و بازارهای مالی ایجاد می‌نماید (Bartlett, 2002: 45). اثر دیگر و مهمتر پول‌شویی، زمینه‌سازی برای فساد و جرایم سازمان‌یافته و در نتیجه تحمیل هزینه‌های اجتماعی ناشی از آنها بر جامعه است. نکته جالب در رابطه با ارتباط فساد و پول‌شویی این است که در جرم پول‌شویی علاوه بر قصد پنهان نمودن عواید ناشی از جرم، وجود یک جرم زمینه‌ساز (زیربنایی)، ابتدایی (منشأ) و سودآور نیز ضروری است؛ در اینجا است که وجود جرمی همچون فساد، قاچاق مواد مخدر، دستکاری در بازار اقتصادی، کلاهبرداری و فرار مالیاتی مطرح می‌شود (Gounev et al, 2010: 326-359). در کنار صحبت از جرایم سازمان‌یافته و فساد باید به تروریسم نیز به عنوان یکی از موارد تأثیرپذیر از پول‌شویی اشاره نمود. در رابطه با تروریسم، پول‌شویی هم می‌تواند زمینه‌ساز بوده و به تأمین مالی تروریسم کمک نماید و هم اینکه نسبت به درآمد حاصل از این اقدامات انجام گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد^۱، پول‌شویی در حال حاضر تهدیدی جدی است برای ابعاد مختلف

۱- جهت مطالعه بیشتر در خصوص آثار سوء ناشی از پول‌شویی به منابع زیر رجوع کنید: صالحی، جواد، پول‌شویی و آثار منفی آن؛ از تحریک جامعه بین‌الملل تا پاسخ حقوق بین‌الملل، مجله مطالعات بین‌المللی پلیس، سال پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صص. ۲۳-۹؛ محبوبی، قربانعلی؛ شهبازی، نجف‌علی و صادقی عمروآبادی، بهروز؛ تحلیل آثار پول‌شویی بر امنیت اقتصادی، مجله آفاق امنیت، شماره ۹، زمستان ۱۳۸۹، صص. ۵۸-۳۷؛ و صادقی عمروآبادی، بهروز؛ گوگردچیان، احمد و شهبازی،

زندگی جامعه بشری، به خصوص یکپارچگی و ثبات نظام‌های مالی جهانی. از این رو مبارزه با پول‌شویی به اولویت مبارزه کیفری تبدیل شده است که در جمع، منجر به تغییرات عمده تقنینی و تنظیمی گشته است. تا جایی که در اواخر دهه ۸۰ میلادی نظام بین‌المللی ضدپول‌شویی که دربرگیرنده مجموعه اسناد حقوق سخت و نرم و همچنین بازیگران ملی و بین‌المللی است به وجود آمد (Mitsilegas, 2006: 195-211).

در این میان، ایران نیز به جهت موقعیت استراتژیک خود و همسایگی با کشورهای تولیدکننده عمده مواد مخدر مانند افغانستان و پاکستان شدیداً در معرض جرایم مربوط به مواد مخدر از جمله پول‌شویی درآمدهای ناشی از آن است (Gholami et al, 2011; 111). درآمدهای حاصل از این جرایم از طرق مختلف جابه‌جا می‌شود و ظرف مدت کوتاهی منشأ مجرمانه آنها ناپدید می‌گردد. علاوه بر آثار سوء مستقیم قاچاق و تولید مواد مخدر بر کاهش امنیت مرزها و افزایش انواع جرایم مالی و همچنین جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد، درآمدهای ناشی از این جرایم، آثار مخرب فراوانی نیز بر اقتصاد کشور دارند (Hemmati, 2012; 32). بنابراین مبارزه با این جرم، از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاران حقوق کیفری ایران است؛ اما نکته مهم چگونگی این مبارزه است.

امروزه از یک طرف، فراملی شدن جرم پول‌شویی در دو قالب ادغام بازارهای مالی در یک مجموعه با ماهیت جهانی (Bagherzadeh, 2016; 49) و اقدامات قاچاقچیان در انتقال اموال به کشورهایی که در آنها مقابله با پول‌شویی قوی نیست یا اصلاً وجود ندارد (Yousefi Sadeghlou & Daneshjou, 2016, 65) و از سوی دیگر، ناکارآمدی نظام حقوقی فعلی برای مبارزه نظام‌مند و کارآمد با آن به خصوص در ابعاد بین‌المللی، تدوین نظام جدید یا دست کم ارائه راهکارهایی فراملی را برای برون‌رفت این نظام از ناکارآمدی ضروری ساخته است. در عرصه حقوقی، با پیوستن ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد مرید ۲۰۰۳ و همچنین التزام عملی ایران به مقررات

نحف‌علی، تحلیل تجربی آثار پول‌شویی بر رشد اقتصادی، مخارج دولت و نابرابری درآمدی در ایران، مجله پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صص. ۹۷-۱۱۸.
۱- بند ۴ ماده ۵ و قسمت ب از بند ۱ ماده ۱۴ این کنوانسیون قابل توجهند.

FATF^۱ و تصویب قوانین و مقررات مختلف از جمله قانون مبارزه با پول‌شویی^۲ ۱۳۸۶، آیین‌نامه اجرایی این قانون^۳ و قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم^۴ ۱۳۹۴،^۵ استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی به یک امکان و حتی یک توصیه در حد الزام برای دولت ایران تبدیل شده است. بنابراین آخرین رویکرد یا خط‌مشی نظام حقوقی ایران در مقابله با جرم پول‌شویی، توجه جدی، نظام‌مند و منسجم به ظرفیت‌های بین‌المللی است.

با توجه به ضرورت نگاه فرادولتی به مبارزه با جرم پول‌شویی، مطالب این مقاله در پاسخ به دو سوال اساسی سازمان‌دهی شده‌اند: سوال نخست این است که فضا و بستر فرادولتی که دولت‌ها در قالب آن می‌توانند برای مبارزه با جرم پول‌شویی همکاری و اقدام نمایند چیست؟ با این توضیح که آیا همان فضای حقوق کیفری بین‌المللی بستر مناسب حقوقی برای همکاری میان دولت‌ها در مقابله با ابعاد فراملی جرم پول‌شویی است یا اینکه فضای جدیدی به نام حقوق کیفری فراملی برای تحقق این هدف مناسب‌تر است؟ پرسش بعدی این است که برای مبارزه فراملی با جرم پول‌شویی در حوزه همسایگی ایران از چه بسترها و ظرفیت‌هایی و به چه شکل می‌توان استفاده کرد؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان در بستر یک سازمان یا نهاد منطقه‌ای در حوزه همسایگی ایران یا بر پایه همکاری متقابل دولت‌ها، مدل همکاری فراملی برای مقابله با جرم پول‌شویی طراحی و سازمان-

- ۱- توصیه‌های ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ ذیل بخش G توصیه‌های FATF به مبحث همکاری‌های بین‌المللی مربوط می‌شود.
- ۲- بند ۵ ماده ۴ این قانون، تبادل تجارب و اطلاعات با سازمان‌های مشابه در سایر کشورها را در چهارچوب ماده ۱۲ از وظایف شورای عالی مبارزه با پول‌شویی قرار داده است. در ادامه مقاله این دو ماده به صورت کامل مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.
- ۳- بند ۹ ماده ۳۸ این آیین‌نامه یکی از اهداف تشکیل واحد اطلاعات مالی را، «تبادل اطلاعات با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی طبق مقررات»، اعلام می‌نماید.
- ۴- ماده ۱۶ این قانون مقرر می‌دارد: «به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود در اجرای این قانون مطابق تعهدات بین‌المللی خود در مبادله اطلاعات یا معاضدت قضایی با سایر کشورها، با رعایت اصل هفتاد و هفتم (۷۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همکاری نمایند».
- ۵- در اسناد بالادستی نیز دسته‌ای از اعمال خلاف قانون شناسایی شده است که می‌توان آنها را شامل پول‌شویی نیز دانست. از جمله اصل ۴۹ قانون اساسی که براساس آن قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ به تصویب رسید. ماده ۹ به کسب اموال و دارایی نامشروع اشاره دارد.

دهی نمود؟

در نگارش این مقاله از روش تحقیق منابع دست دوم استفاده شده است. به این صورت که با مراجعه به اسناد و مکتوبات موجود در زمینه مبارزه با پول‌شویی و سایر موضوعات مرتبط، به جمع‌آوری نکات مرتبط و سپس تحلیل آنها پرداخته می‌شود. ابزار مورد استفاده کتابخانه می‌باشد.

ظرفیت‌های حقوق کیفری فراملی در مبارزه با پول‌شویی

حقوق کیفری فراملی عرصه جدیدی در ادبیات حقوق کیفری است که در ذیل آن می‌توان به ساماندهی مبارزه با جرایم فراملی پرداخت. از این رو شناخت آن و به خصوص اشراف بر ظرفیت‌های آن می‌تواند نقش بسیار مهمی در تبیین الگو و بستر مناسب برای مبارزه فراملی با جرم پول‌شویی در حوزه همسایگی ایران داشته باشد. در ادامه ذیل دو قسمت، ابعاد نظری و مدل‌های حقوق کیفری فراملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حقوق کیفری فراملی؛ بستری برای همکاری فراملی دولت‌ها در امور کیفری

بستر مناسب حقوقی برای همکاری میان دولت‌ها در مبارزه با جرایم فراملی چیست؟ پاسخ، حقوق کیفری فراملی است که به عنوان فصلی جدید در حقوق کیفری مطرح شده و در رویکردی کلی، آن را می‌توان به عنوان حقوق سازمان‌دهنده مبارزه مشترک کشورها با جرایمی که جنبه فراملی، نه بین‌المللی در معنای مورد نظر حقوق کیفری بین‌المللی دارند تصویر کرد. در این قسمت ابعاد مختلف حقوق کیفری فراملی و اینکه چرا مناسب‌تر از حقوق کیفری بین‌المللی است بحث خواهد شد.

ماهیت حقوق کیفری فراملی

با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی که امروزه برای مقابله با جرایم فراملی^۲ مدنظر سیاست‌گذاران

1- Transnational Criminal Law

۲- اصطلاح جرم فراملی برای اولین بار در کنگره پنجم سازمان ملل برای پیشگیری از جرم و درمان مجرمان در ۱۹۷۵ استفاده شد (به نقل از: Boister, Neil, An Introduction to Transnational Criminal Law, Oxford University Press, 2012, pp. 3-4).

کیفری قرار می‌گیرد، حقوق کیفری فراملی را می‌توان به «سرکوب غیرمستقیم فعالیت‌های مجرمانه که دارای آثار واقعی یا بالقوه فراملی هستند توسط حقوق بین‌الملل از رهگذر حقوق کیفری ملی» تعریف کرد (Boister, 2003: 953). فارغ از جرایم بین‌المللی^۱ در معنای مضیق که همان جرایم در حقوق بین‌الملل^۲ هستند و همچنین جرایم داخلی با عنصر خارجی، جرایم فراملی به عنوان جرایمی تعریف می‌شوند که موضوع نگرانی‌های بین‌المللی^۳ می‌باشند. حقوق کیفری فراملی در رابطه با ماهیت این جرایم که منجر به ایجاد نگرانی‌های بین‌المللی می‌شوند و همچنین بیشتر در رابطه با چگونگی فرآیندسازی برای مبارزه با آنها توضیح داده و به بحث می‌پردازد (Boister, 2012: 13). منظور از ایجاد نگرانی‌های بین‌المللی این است که این جرایم نظم بین‌المللی را تهدید می‌کنند و میزان تهدید نیز به اندازه‌ای است که تمامی دولت‌ها خود را در مبارزه با آنها ذی‌نفع دانسته و از این جهت است که میل به همکاری با یکدیگر دارند. در واقع اگر دولت‌ها را به عنوان یک واحد در نظر بگیریم یا اگر آنها را براساس ارزش‌ها و منافع مشترکشان به عنوان مجموعه-دولت‌ها در نظر بگیریم، جرایم فراملی اقدامات و افعالی هستند که مستقیماً یا غیرمستقیم این ارزش‌ها و منافع را مورد هدف قرار می‌دهند. جرم پول‌شویی نیز به علت اینکه علیه منافع مالی دولت‌ها رخ می‌دهد می‌تواند نمونه‌ای بارز از جرایم فراملی باشد که دولت‌ها در مبارزه با آنها گرایش به همکاری با یکدیگر دارند.

منشأ حقوق کیفری فراملی

حقوق کیفری فراملی محدود به جرایمی است که دولت‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی مشخص می‌کنند تا از این طریق تمامی کشورهای درگیر مکلف به جرم‌انگاری آن رفتارها باشند. همین کنوانسیون‌های بین‌المللی و تکلیف به جرم‌انگاری است که عامل تمایز حقوق کیفری فراملی از حقوق کیفری ملی می‌شود. نمونه بارز این تکلیف را در کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و مواد روان‌گردان ۱۹۸۸ می‌توان مشاهده کرد. این

1- International crimes

2- Crimes in international law

3- Crimes of international concern

کنوانسیون‌ها نشان‌دهنده علاقه و تمایل دوطرفه برای همکاری در راستای سرکوب جرایمی است که از مرزها فراتر می‌روند یا پتانسیل آن را دارند. در مقابل، پیگیری یک جرم ملی، که زائیده چنین کنوانسیون‌هایی و تکالیف برخاسته از آنها نیست، در سطح فراملی، باید به عنوان دادرسی کیفری فراملی شناخته شود. زیرا در این مورد هیچ‌گونه اقدام و تکلیف متقابلی برای جرم‌انگاری وجود ندارد. در نوشته‌های حقوق کیفری فراملی از این کنوانسیون‌ها که در واقع منشأ این حقوق هستند با عنوان کنوانسیون‌های سرکوب^۱ یاد می‌شود. کارکرد اصلی این کنوانسیون‌ها، وضع تکلیف معاهده‌ای بر دولت‌های عضو مبنی بر جرم‌انگاری رفتارها و فعالیت‌های به‌خصوصی در حوزه حقوق ملی خود و همچنین برای تعقیب این جرایم در دادگاه‌های ملی آنها و در نهایت همکاری با سایر دولت‌ها در این مبارزه است. این تکالیف دو هدف دارند: نخست، سرکوب داخلی جرایم هدف و دوم، تضمین همکاری دولت‌ها برای سرکوب این جرایم از رهگذر جرم-انگاری دوطرفه^۲ و همکاری در خصوص مبارزه فرادولتی با جرایم. بنابراین حقوق کیفری فراملی ذاتاً یک حقوق دوطرفه است (Ibid: 14).

لازم به ذکر است که یکی از ویژگی‌های بسیار مهم تحولات بعد از ۱۹۴۵، توسعه همکاری-های کیفری بین‌الدولی بر پایه کنوانسیون‌های چندجانبه بود. این کنوانسیون‌ها توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، شورای اروپا، اتحادیه اروپا و ... ترویج پیدا کردند. به طور مثال سازمان ملل در کنوانسیون‌های خود ابتدا بر روی طبقه خاصی از جرایم تأکید می‌کرد مانند کنوانسیون ۱۹۸۸ در خصوص مواد مخدر و کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۹ اما بعدها این رویه با تدوین کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان‌یافته فراملی ۲۰۰۰ پالمو که در آن مجموعه‌ای از جرایم مورد توجه هستند تغییر کرد. در واقع رویکرد کنوانسیون‌ها از تعیین دسته‌ای از جرایم به بیان ویژگی‌های جرایم مورد نظر تغییر پیدا کرده است (Yepes-Enriquez & Tabassi, 2002: 23-24).

این امر نشان‌دهنده این است که در عرصه حقوق کیفری فراملی، جرایم مورد نظر را نمی‌توان محدود به حوزه مشخصی کرد. بلکه هر جرمی که ویژگی‌هایی تعیین‌شده در کنوانسیون‌ها را

1- Suppress conventions

2- Dual criminality

داشته باشد مشمول این حقوق خواهد شد. البته نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که در این کنوانسیون‌ها، چه دسته‌ای از جرایم مورد نظر باشند و چه ویژگی‌های جرایم مورد نظر بیان شود، معمولاً تدوین کنندگان وارد بحث‌های مربوط به ماهیت و عناصر جرایم نمی‌شوند. به نظر می‌رسد علت اتخاذ چنین رویکردی، کاستن حداکثری از احتمال ایجاد اختلاف بین دولت‌ها در پذیرش و الحاق به کنوانسیون‌هاست. زیرا نهایتاً اجرای کنوانسیون‌ها با نهادهای وابسته به دولت‌های عضو است.

تمایز حقوق کیفری فراملی از حقوق کیفری بین‌المللی

اگرچه حقوق کیفری فراملی جزئی از حقوق کیفری بین‌المللی، در معنای موسع آن یعنی حقوق کیفری دارای ابعاد بین‌المللی است، اما در عین حال به راحتی قابل تمایز از حقوق کیفری بین‌المللی در معنای خاص آن است. این تفاوت از چندین جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

منشأ جرایم موضوع این دو حقوق

جرایم اصلی حقوق کیفری بین‌المللی که شامل نسل‌کشی، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و تجاوز هستند در واقع ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی و تکالیف برخاسته از آن هستند که فارغ از حقوق کیفری ملی است. اما در مقابل، جرم فراملی مانند قاچاق مواد مخدر اگرچه منبع هنجاری ممنوعیت آن را بتوان در حقوق بین‌الملل یافت ولی ممنوعیت آن کاملاً مبتنی بر حقوق داخلی است. بر همین اساس است که در کنوانسیون علیه قاچاق مواد مخدر، به صورت مستقیم به اصل جرم‌انگاری این عمل پرداخته نشده است؛ اگر چنین اقدامی در این کنوانسیون صورت می‌پذیرفت در نتیجه این جرم جزء جرایم اصلی حقوق کیفری بین‌المللی قرار می‌گرفت (Boister, 2012: 19). البته در این خصوص مجدداً باید خاطر نشان شود که جرم حقوق کیفری بین‌المللی برخلاف ارزش‌های ذاتی بشریت است در حالی که جرم فراملی از جمله پول‌شویی تنها برخلاف نظم بین‌المللی می‌باشد که به همین علت نیز دولت‌های مختلف را، از جهت ضرورت حفظ منافعشان به همکاری و مبارزه مشترک وادار می‌دارد.

صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده

تفاوت دیگر در خصوص صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده به این جرایم است؛ رسیدگی به جرایم فراملی کماکان در صلاحیت مراجع ملی است و هیچ مرجع بین‌المللی، به آن گونه که در خصوص جرایم اصلی حقوق کیفری بین‌المللی جاری است، در این زمینه وجود ندارد. در عرصه جرایم فراملی دولت‌ها به دنبال سپردن صلاحیت رسیدگی خود به نهاد بالادستی با صلاحیت بین‌المللی نمی‌باشند، بلکه آنها می‌خواهند نظام حقوقی خود را که بر آن حاکمیت دارند با نظام سایر کشورها در مبارزه با جرایم فراملی هماهنگ نمایند.

اهداف حقوق کیفری فراملی

هدف و اصل اولیه در حقوق کیفری فراملی برداشتن گام‌های موثر و مفید برای مبارزه با جرایم فراملی است. نکته بسیار ظریفی که در این خصوص باید مورد توجه قرار گیرد این است که گام برداشتن در مسیر مبارزه متفاوت از خود مبارزه با جرایم فراملی است. گام برداشتن به معنی انجام اقدامات پشتیبانی، سوق دادن دولت‌ها به سمت مبارزه موثر، ایجاد هماهنگی میان دولت‌ها و به طور کلی ابتکار عمل در مبارزه است که همان هدف حقوق کیفری فراملی می‌باشد. اما خود مبارزه بر عهده تک تک دولت‌هاست و با توجه به اینکه حقوق کیفری و مسائل مربوط به آن از جمله امور حاکمیتی دولت‌ها هستند و هیچ دولتی را نمی‌توان برخلاف خواست خود مکلف به انجام امری نمود بنابراین اجرای نهایی تصمیمات و اقدامات کیفری در حوزه صلاحیت دولت‌هاست. حقوق کیفری فراملی، برخلاف حقوق کیفری ملی و بین‌المللی، قاعده‌ساز و جرم‌انگار و کیفرگذار نیست. بلکه صرفاً سامان‌دهنده است (Boister, 2003;959). حقوق کیفری فراملی را مجموعه‌ای مشخص از ارزش‌ها و منافع به وجود نمی‌آورند. همچنین این حقوق، یک سیستم منسجمی از اصول یا یک سیستم منسجم کنترل جرم نیست. تعهدات عمودی و افقی ناشی از این

۱- البته در ادامه بحث خواهد شد که یکی از مدل‌های حقوق کیفری فراملی، مدل مافوق ملی است که در آن تمامی دول عضو به صورت یک عضو در نظر گرفته شده و یک مرجع مرکزی وظیفه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری را خواهد داشت. ولی باید توجه کرد که صلاحیت این مرکز تنها از نظر سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری است و اجرای قوانین یا به عبارت دیگر، صلاحیت رسیدگی به جرایم فراملی همچنان در اختیار مراجع ملی خواهد بود.

حقوق محصول مشخص و یکدستی در تمامی کشورها ندارد. بلکه این حقوق یک سیستم هم- شکل شده^۱ از حقوق کیفری ملی است، تصویری است از چگونگی دریافت بعضی از ویژگی‌های خاص کنوانسیون‌های سرکوب در حقوق کیفری ملی کشورها. در این سیستم اعمال حقوق کیفری کماکان در اختیار دولت است و دولت به شدت از آن حفاظت می‌کند؛ تأکید اصلی بر اجرای حقوق کیفری از طریق اقدام مشترک و نه یکسان کردن آن است (Boister, 2012: 22-23).

با این وجود نباید فراموش کرد حقوق کیفری فراملی در مراحل تکوین خود به سر می‌برد. اگرچه تمام ویژگی‌های فوق‌الذکر را می‌توان برای آن برشمرد، ولی در عین حال می‌توان از نظامی منحصربه‌فرد در سطح فرادولتی یاد کرد. شاید بتوان بر این عقیده بود که در حقوق کیفری فراملی همین برداشت‌های مختلف دولت‌ها از تعهدات بین‌المللی، در قالب و ساختار مشخصی قرار می‌گیرد تا از این طریق امکان و قابلیت اجرایی پیدا نماید. ارائه مدل‌های نظری حقوق کیفری فراملی که نمونه‌های عملی نیز برای آنها می‌توان یافت دلیلی محکم بر این امر است. در قسمت بعدی این مدل‌ها بررسی می‌شوند.

مدل‌های نظری حقوق کیفری فراملی

دو مدل عمده برای همکاری‌های کیفری فرامرزی پیشنهاد می‌گردد؛ مدل مافوق ملی (دولت‌ها)^۲ و مدل همکاری^۳. این دو مدل امکان بهره‌گیری از توان دولت‌هایی را که درگیر مبارزه با جرایم، صرف نظر از جرم خاصی، هستند فراهم می‌کند و در واقع ابزاری است جهت انسجام و یکجا جمع کردن نظام‌های عدالت کیفری مختلف در مسیر مبارزه با جرایم فراملی. در ادامه شرح مختصری از این دو مدل ارائه می‌گردد تا براساس آن به تبیین مدل همکاری مناسب برای ایران در مبارزه با پول‌شویی که موضوع قسمت دوم مقاله است پرداخته شود.

-
- 1- Conformal system
 - 2- Supranational
 - 3- Cooperation

مدل مافوق ملی

در این مدل، حقوق کیفری بر منطقه جغرافیایی بزرگی حاکم است و قوانین و مقررات کیفری که سازنده حقوق کیفری هستند نه در قوانین ملی دولت‌ها بلکه براساس همکاری بین آنها و به صورت متحدالشکل تعیین می‌گردند. در این مدل، یک نهاد مرکزی وجود دارد که وظیفه مهم تدوین حقوق کیفری را برعهده داشته و نهادهای مختلف دولت‌های تابع اجراکننده هستند نه تصمیم‌گیر (Sieber, 2009 (Die Zukunft ...): 22-23) و البته همان‌گونه که قبلاً گفته شد، اینکه کماکان نهادهای دولتی در قلمروی خود اجراکننده بوده و صلاحیت رسیدگی به امور کیفری را دارند یکی از وجوه تمایز حقوق کیفری فراملی از حقوق کیفری بین‌المللی است.

در تشریح و فهم این مدل دو نکته کلیدی باید مورد توجه قرار گیرد: نخست اینکه کلیه کشورهای تابع به صورت یکپارچه و فارغ از مرزهای بین خود، به صورت یک قلمروی واحد، موضوع حقوق کیفری هستند و دوم اینکه تنها یک نهاد و مرجع قانون‌گذار به عنوان متولی حقوق کیفری شناخته شده و رسمیت دارد. براساس این دو معیار در این مدل، کشورها بخشی از حاکمیت خود را در راستای مبارزه موثر و کارآمد با جرایم فراملی به یک نهاد برتر که البته نتیجه همکاری و متشکل از نمایندگان خود آنهاست واگذار می‌نمایند.

این مدل مزایا و معایبی دارد که به طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

مزایا: به دلیل وجود مرجع واحد برای قانون‌گذاری کیفری، انسجام و یکپارچگی بالایی در این مدل وجود دارد که مانع از ایجاد اختلافات عمیق بین دولت‌های زیرمجموعه این مدل در اجرای قوانین کیفری می‌شود؛ عدالت در تمامی موارد و نقاط به صورت یکسان اجرا خواهد شد و بر این اساس تابعان حقوق کیفری می‌توانند رفتار خود را برنامه‌ریزی نمایند؛ امکان حمایت موثر و کارآمد از امنیت و آزادی افراد به صورت همزمان وجود خواهد داشت (Safferling, 009: 1394)؛ و اصل قانونی بودن به معنای واقعی خود جاری خواهد شد.

معایب: مسائلی است که در این مدل برای امور مربوط به هویت فرهنگی افراد ایجاد می‌شود. زیرا در این مدل، با توجه به تفاوت فرهنگی بین ملیت‌های مختلف مشکلات اساسی بر سر راه

اجرای قوانین و به خصوص، درک و برداشت شهروندان از قوانین کیفری به وجود خواهد آمد؛ و مشکلاتی که این مدل برای حاکمیت ملی دولت‌ها و همچنین اصل واگذاری اختیارات تصمیم‌گیری به نهادهای محلی^۱ ایجاد می‌کند (Sieber, 2009 (Objectives and ...): 14-15).^۲ البته به نظر می‌رسد که مهمترین مانع بر سر راه تحقق این مدل، امکان واقعی ایجاد و سازمان‌دهی آن است. زیرا با توجه به اختلافات عمیق سیاسی و حاکمیتی میان دولت‌ها به سختی می‌توان وضعیتی را تصور کرد که در آن دولت‌ها به حاکمیت یک نهاد مرکزی بر خود تن دهند.

مدل همکاری

در کنار مدل مافوق ملی، مدل همکاری مطرح می‌شود. ویژگی اصلی این مدل شناسایی و رسمیت یافتن اقدامات، تصمیمات و احکام کیفری یک دولت در دولت دیگر است. در این مدل، کشورها، چه متقابل (دوبه‌دو) و چه مجموعه‌ای، بر همکاری با یکدیگر توافق می‌نمایند. دولت‌ها با پذیرش اقدامات کیفری یکدیگر، سرعت و کارآمدی مقابله با جرایم فراملی یا حتی جرایم داخلی خود را افزایش می‌دهند.

این نوع از همکاری در صورتی که هر دو دولت همکار ارزش‌های مشترک داشته باشند معمولاً مشکل‌زا نخواهد بود. اما در مقابل، در صورت تفاوت این موارد، درخواست‌های مطرح‌شده از طرف یک دولت به سادگی توسط دولت درخواست‌شونده پذیرفته نخواهند شد. این مشکل زمانی حادث می‌شود که درخواست دولتی، به منزله نقض نظم عمومی یا برخلاف ارزش‌های مسلم دولت درخواست‌شونده قلمداد گردد. به همین خاطر است که یکی از ویژگی‌های بارز حقوق همکاری‌ها^۳ پذیرش نسبتاً گسترده استثنائات و حق شرط‌هاست (Sieber, 2010: 35). در این مدل، حاکمیت ملی دولت‌ها همچنان به عنوان یک مانع خودنمایی می‌کند و دولت‌ها را از دادن اختیارات وسیع در حوزه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری به یک مرجع دیگر برحذر داشته و آنها را تنها مجاز به پذیرش و رسمیت دادن به یک سری اقدامات قضایی مشخص می‌نماید.

1- Subsidiarity

۲- به هر کدام از این ایرادات پاسخ‌هایی داده شده است که به دلیل خارج بودن از موضوع مقاله به آنها پرداخته نمی‌شود.

3- Law of cooperation

این مدل براساس رویکرد همکاری و پذیرش متقابل اقدامات به سه نوع تقسیم می‌شود:

مدل همکاری حقوقی و اداری کلاسیک^۱

به این صورت که هر گونه درخواست همکاری باید رسماً به نهاد مربوط و متولی در دولت متقابل ارائه شده، سپس آن دولت براساس ضوابط خود که در توافق‌نامه همکاری نیز رعایت آنها برای همکاری شرط دانسته شده است تصمیم‌گیری نماید. در این نوع از همکاری، دولت‌ها در موارد زیادی می‌توانند با استناد به اصول متنوعی که در صدر آنها حفظ حاکمیت ملی است از همکاری سرباز زنند. این نوع از همکاری ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین نوع است و بیشتر به مانند تفاهم‌نامه یا قول همکاری مشترک است.

مدل همکاری بر مبنای به رسمیت شناختن متقابل تصمیمات قضایی^۲

در این مدل تصمیماتی که در یک نظام عدالت کیفری اتخاذ می‌شود، فارغ از اینکه بر مبنای چه قانونی و با چه فرآیندی صورت گرفته باشد، توسط دولت‌های دیگر به رسمیت شناخته شده و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. نکته مهم این است که فرآیندهای مشخصی جهت تقاضای اجرا و تصویب تصمیمات اتخاذی یک دولت در خاک دولت دیگر پیش‌بینی می‌گردد که حتماً باید طی شود.

مدل همکاری کاربرد وسیع مستقیم^۳

در این مدل همکاری بر مبنای تجویز بی‌واسطه و مستقیم تصمیمات اتخاذی در یک نظام عدالت کیفری در نظام عدالت کیفری دیگر استوار است که از آن با عنوان مدل «کاربرد وسیع مستقیم» یاد می‌شود. منظور از این عنوان و در واقع محتوای این مدل، یعنی امکان اجرای تصمیمات اتخاذی یک دولت در خاک دولت دیگر بدون طی فرآیندهای تقاضا و تصویب است.

1- Die klassischen Amts- und Rechtshilfe

2- Die Modell der gegenseitigen Anerkennung justizieller Entscheidungen

3- Die Modell der unmittelbaren Geltungserstreckung

بدیهی است که اجرای چنین مدلی نیازمند اعتماد قضایی بیشتری میان دولت‌های همکاری‌کننده می‌باشد. می‌توان گفت که این مدل بیشتر شبیه همکاری‌ای است که بخش‌های مختلف یک دولت در قالب نیابت قضایی انجام می‌دهند^۱ (Sieber, 2009 (Die Zukunft ...): 17-19).

فارغ از دسته‌بندی مدل همکاری، مزایا و معایبی برای این مدل می‌توان مطرح کرد. مهمترین مزیت این مدل، احترام بیشتر به حاکمیت ملی و همچنین تقویت عدم تمرکز قضایی است. زیرا در این مدل دولت‌ها از اختیار رد یا قبول همکاری، البته در هر کدام از سه نوع به میزان متفاوت، براساس ضابطه «سازگاری درخواست همکاری با حاکمیت ملی» برخوردار هستند و ابتدای به ساکن و بدون هیچ صلاحدید ملزم به پذیرش تمامی همکاری‌های درخواستی نمی‌باشند. در این مدل، در کنار احترام به حاکمیت ملی، ایرادی که بر مدل مافوق ملی وارد بود، یعنی تمرکز تمامی امور قضایی در یک مرجع و بی‌توجهی به صلاحیت و کارکرد نهادهای محلی نیز رفع می‌شود.

اما در مقابل این مزایا، ایراداتی بر این مدل وارد است. یک ایراد به تعارض و تضادی برمی‌گردد که بین تأمین امنیت و آزادی‌های مدنی به وجود خواهد آمد (Sieber, 2009 (Objectives 12): ...). علت عمده چنین تضادی، وجود و در واقع باقی ماندن اختلاف‌های حقوقی است. زیرا همان‌گونه که گفته شد کماکان نظام‌های عدالت کیفری مختلف موجودیت و استقلال تامه خود را در این مدل حفظ می‌کنند بنابراین امکان صدور احکام متفاوت و متضاد و در نتیجه آسیب‌زننده به حقوق مدنی شهروندان وجود خواهد داشت.

دو ایراد دیگر وارد بر این مدل عبارتند از: عدم کارآمدی این مدل در تعقیب جرایم فراملی و حفاظت از ارزش‌های مافوق ملی و مشکل شدن ساختارسازی و نظام‌دهی به دلیل وجود صلاحیت‌های موازی و تعارض صلاحیت‌ها (Sieber, 2009 (Objectives ...): 13).

در این مدل‌ها تعقیب جرایم فراملی تنها در صورتی برای دولت‌ها اولویت خواهد داشت و به آن اهتمام خواهند ورزید که ارزش‌ها و منافع خودشان را در معرض تهدید و آسیب ببینند.

۱- نمونه بارز این مدل را می‌توان در بریتانیا دید که براساس قوانین Criminal Justice Act و Public Order Act از سال ۱۹۹۴ در بریتانیا شروع شده و همکاری بین کشورهای انگلستان (به انضمام ولز)، اسکاتلند و ایرلند شمالی از مدل مبتنی بر رسمیت شناختن متقابل تصمیمات قضایی به مدل کاربرد وسیع مستقیم تغییر یافته است.

همچنین وجود صلاحیت‌های متفاوت و همچنین اصول متفاوت که گاه به تعارض نیز می‌انجامند مانع از ایجاد سازمان و در واقع تشکیل یک نظام واحد منسجم برای رسیدگی به امور کیفری می‌گردد.

سرانجام اضافه می‌گردد که در کنار این مدل‌های حقوق کیفری فراملی، مدل‌های ترکیبی نیز وجود دارند که حاصل کنار گذاشتن معایب مدل‌ها و تجمع مزایای آنهاست و بیشتر در عمل و نه در تنوری به عرصه ظهور می‌رسند. پرواضح است که امروزه در عمل هیچ نظامی را نمی‌توان به صورت کامل با یکی از این دو مدل تطبیق داد و همواره یکی از این دو مدل به عنوان مبنا پذیرفته شده و رگه‌هایی، گاه ضعیف و گاه قوی، از مدل دیگر در درون آن برای بالا بردن کارآمدی دیده می‌شود.

براساس ویژگی‌های این مدل‌ها، در قسمت بعدی به انتخاب و تبیین مدل مناسب برای همکاری‌های بین‌المللی ایران در زمینه مبارزه با پول‌شویی پرداخته خواهد شد.

چگونگی سازمان‌دهی حقوق کیفری فراملی در حوزه همسایگی ایران برای مبارزه با پول‌شویی

اما آنچه بحث اصلی مقاله حاضر است، چگونگی استفاده از ظرفیت‌های حقوق کیفری فراملی در حوزه همسایگی ایران برای مقابله با جرم پول‌شویی است. برای رسیدن به چنین طرح و ارائه راهکار، چندین نکته باید مورد بررسی قرار گیرند. نخست اینکه، وضعیت نظام حقوق کیفری ایران از نظر استفاده از ظرفیت‌های فرادولتی برای مبارزه با پول‌شویی به چه شکل است؟ آیا پیش‌بینی‌هایی در این خصوص در قوانین و مقررات ایران به عمل آمده است یا خیر؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چنین پیش‌بینی‌هایی چه دورنمایی را برای حقوق کیفری ایران در مبارزه با پول‌شویی ترسیم می‌نماید؟ سوال اساسی دیگر اینکه از مدل‌های تبیین شده در قسمت قبلی کدام مدل برای منطقه مورد نظر مناسب‌تر بوده و آن را در چه بستر و ساختاری می‌توان به بهترین نحو به مرحله اجرا درآورد؟ در واقع براساس همین انتخاب مدل و گزینش بستر است که می‌توان بهترین دورنما را برای مبارزه با پول‌شویی ترسیم کرد.

وضعیت حقوق کیفری ایران از نظر استفاده از ظرفیتهای فرادولتی برای مبارزه با پولشویی

مهمترین اقدام قانون گذار ایرانی در مبارزه با پولشویی، در بُعد داخلی، تصویب قانون مبارزه با پولشویی ۱۳۸۶ است. در این قانون برای اولین بار پولشویی تعریف شد (صرف نظر از ایراداتی که بر آن وارد است و موضوع این مقاله نیست) و این رفتار جرم‌انگاری گردید. اما آنچه که مربوط به بحث این نوشتارست، میزان استفاده از ظرفیتهای بین‌المللی برای مبارزه با این پدیده در حال گسترش و زمینه‌ساز برای جرایم دیگر مانند تروریسم و فساد است. با تأملی در قانون، روشن می‌گردد که تقریباً هیچ توجیهی به صورت مستقل به بحث همکاری‌ها و تعاملات بین‌المللی در راستای مقابله با پولشویی در داخل ایران یا مقابله با پولشویی‌هایی که دارای آثار مستقیم و غیرمستقیم بر ایران است نشده است. در ادامه به توضیح مفصل این موضوع پرداخته می‌شود.

منابع همکاری‌های بین‌المللی در حقوق ایران در مبارزه با پولشویی

در قانون مبارزه با پولشویی تنها ماده ۱۲ است که مقرر می‌دارد: «در مواردی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها قانون معاضدت قضایی و اطلاعاتی در امر مبارزه با پولشویی تصویب شده باشد، همکاری طبق شرایط مندرج در توافقنامه صورت خواهد گرفت». با مذاقه در متن این ماده و سایر مواد این قانون درمی‌یابیم که این قانون اگرچه خاستگاه مبارزه با پولشویی در ایران است و باید به گونه‌ای تدوین می‌یافت که علاوه بر شروع مبارزه رسمی با پولشویی، امکان گسترش آن را نیز، به خصوص از طریق همکاری‌های بین‌المللی فراهم می‌کرد، هرگز چنین رویکردی را اتخاذ نکرده است. ماده ۱۲ مذکور در مقام بیان امری است که هیچ اشاره‌ای به آن در خود قانون نشده است. این ماده در صورتی می‌توانست معنا داشته و وافی به مقصود باشد که قانون گذار شرایط همکاری را به صورت کلی تعیین می‌کرد و سپس این ماده را در مقام توضیح در خصوص معاهداتی که در زمینه همکاری بین ایران و سایر دولت‌ها در مبارزه با جرم پولشویی منعقد می‌شوند عنوان می‌نمود. با این وصف، به نظر می‌رسد که گنجاندن ماده ۱۲ با این مضمون امری عبث و شاید تنها از روی رفع تکلیف مقرر در کنوانسیون ۲۰۰۰ مریدا در خصوص همکاری با سایر کشورها در مبارزه با پولشویی بوده باشد. البته باید توجه کرد که قانون گذار در بند ۵ ماده ۴ این قانون، «تبادل تجارب و اطلاعات با سازمان‌های مشابه در سایر

کشورها» را جزء وظایف شورای عالی مبارزه با پول‌شویی قرار داده است، اما این امر نیز بیشتر از آنچه که تسهیل‌کننده همکاری‌های بین‌المللی برای کارآمدتر کردن این مبارزه باشد، بیشتر منجر به محدودیت‌های عملی برای آن می‌شود. ایرادات اساسی‌ای بر این دو ماده وارد است که ذیلاً به صورت مفصل بحث می‌شود؛

ایراد نخست اینکه همکاری بین‌المللی در مبارزه با جرایم، مفهومی وسیع دارد و طیف اقدامات متنوعی از جمله همکاری علمی و تبادل یافته‌ها، استرداد، انتقال محکومان، معاضدت قضایی دوطرفه، انتقال رسیدگی‌های کیفری، همکاری در اجرای قانون، تحقیقات مشترک (Utama, 2010: 347) و ... تا به رسمیت شناختن متقابل تصمیمات قضایی (Karsai, 2008: 941) را شامل می‌شود. در بند مورد اشاره از ماده ۵ مذکور، تنها به «تبادل تجارب و اطلاعات» اشاره شده است. یعنی از میان تمام همکاری‌های متصور به نازل‌ترین سطح آن اکتفا شده و بقیه موارد به سکوت برگزار شده است. در حالی که قانون‌گذاری که به ضرورت اتخاذ تدابیر جدی‌تر و به‌روزتر برای مقابله با پول‌شویی آگاه فرض می‌شود، باید امکان همکاری بیشتر را فراهم می‌نمود. نکته دیگر در این رابطه، مفهوم غیرواضح اطلاعات است. آیا منظور از اطلاعات، صرفاً یافته‌های علمی و عملی است همان‌گونه که به قرینه تجارب می‌توان بر درستی چنین برداشتی نظر داد یا اینکه منظور از آن اطلاعات مربوط به کشف پول‌شویی، متهمان و محکومان این جرم و ... است. اگر تفسیر اول را بپذیریم در این صورت تقریباً می‌توان گفت که از مفهوم همکاری بین‌الدولی برای مبارزه با جرم پول‌شویی به دور است و آن را صرفاً می‌توان هم‌اندیشی و میزگرد علمی نامید و اگر هم برداشت دوم را درست بدانیم، اگرچه به مفهوم همکاری‌های بین‌المللی نزدیکتر می‌شویم، اما با این ایراد اساسی مواجه خواهیم شد که شورای عالی مبارزه با پول‌شویی که جزء بدنه اجرایی (دولت) است چگونه می‌تواند در اموری دخالت نماید که در حیطه وظایف و اختیارات قوه قضاییه است. در ادامه به این ایراد مفصلاً پرداخته می‌شود. در تأیید عدم اراده جدی قانون‌گذار در ایجاد بستری برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با پول‌شویی به بند ۲ ماده ۳۷ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پول‌شویی ۱۳۸۸ می‌توان اشاره کرد. براساس این بند «حضور فعال در مجامع بین‌المللی و تشریح اقدامات کشور در مبارزه با پول‌شویی، از جمله وظایف دبیرخانه شورای عالی مبارزه با پول‌شویی است». در این مورد نیز مشخص نیست که منظور از حضور در مجامع بین‌المللی آیا صرفاً شرکت در کنفرانس‌ها و ارائه دستاورها و موفقیت‌ها و تجارب است یا اینکه مجامع را

باید تعبیر به کنوانسیون‌ها و قراردادهای چندجانبه کرد که چنین تفسیری به نظر بعید می‌رسد. اما ایراد دوم به شورای عالی مبارزه با پول‌شویی به عنوان متولی و مرجع همکاری با سازمان‌های مشابه در سایر کشورها و همچنین تعیین سازمان‌های مشابه به عنوان مرجع همکاری برمی‌گردد. زیرا حتی با پذیرفتن این تفسیر که منظور از تبادل اطلاعات، اطلاعات مربوط به کشف موارد پول‌شویی، شناسایی متهمان و رسیدگی و ... است، باید در نظر گرفت که شورای عالی مبارزه با پول‌شویی، نهادی وابسته به قوه مجریه است و نتیجتاً از توان و صلاحیت قضایی برای ترتیب اثر دادن به اطلاعات واصله برخوردار نیست و مجدداً خود باید به عنوان نهادی واسطه‌ای و صرفاً ارائه‌دهنده اطلاعات به نهادهای قضایی اقدام نماید. قانون‌گذار در این بند مجدداً اشتباه قبلی خود را مرتکب شده و به همکاری شورای عالی مبارزه با پول‌شویی با «سازمان‌های مشابه» اشاره کرده است که منظور دقیق از این مشابهت روشن نیست. آیا حتماً سازمان‌هایی باید طرف همکاری قرار بگیرند که ساختاری مشابه با شورای عالی مبارزه با پول‌شویی داشته و از جمله از بدنه قوه مجریه باشند یا اینکه اگر به طور مثال وابسته به دادگستری بودند ولی سازمان‌دهی امور مربوط به پول‌شویی در اختیار آنها بود همچنان امکان همکاری وجود خواهد داشت؟

اما ایراد سوم که شاید بتوان گفت خطرناک‌تر بوده و تاب تفسیرهای گوناگون را دارد، این است که قانون‌گذار همین همکاری بین‌المللی در حد تبادل تجارب و اطلاعات را مقید به رعایت چهارچوب مفاد ماده ۱۱ قانون مذکور نموده است. البته قبل از هر چیز باید اذعان کرد که به نظر ذکر ماده ۱۱ که مربوط به اختصاص شعبی از دادگاه‌های عمومی در تهران و مراکز استان‌ها به رسیدگی به جرایم پول‌شویی و جرایم مرتبط است اشتباه چایی بوده و با توجه به بحث جاری در ماده ۴، منظور ماده ۱۲ این قانون می‌باشد. با فرض گرفتن چنین امری، دو نتیجه بسیار ناامیدکننده از این بند برداشت می‌شود؛ نخست اینکه همین حد نازل از همکاری نیز موکول شده است به انعقاد موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی و اطلاعاتی با سایر کشورها که به نظر می‌رسد در این صورت نتیجه این بند فقط مانع تراشی و ایجاد وقفه در تبادل اطلاعات و تجارب باشد. زیرا صرف تبادل تجارب و برگزاری نشست‌ها و هم‌اندیشی‌هایی جهت بهره‌مندی از اطلاعات سایر کشورها در خصوص مبارزه با پول‌شویی نیازمند انعقاد موافقت‌نامه و سپس تصویب آن توسط مجلس نیست و حتی می‌توان آن را در قالب همکاری‌های دانشگاهی که وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هستند نیز محقق نمود. نتیجه دوم که بسیار می‌تواند مشکل‌آفرین باشد، این است که با

این تفسیر و به خصوص با توجه به قراین موجود در ماده ۱۲ که اشاره می‌دارد به «قانون [های] معاضدت قضایی و اطلاعاتی»، موضوع موافقت‌نامه‌های قضایی نیز نمی‌تواند چیزی فراتر از صرف معاضدت قضایی و اطلاعاتی باشد و سایر انواع همکاری‌های بین‌المللی در امور کیفری برای مبارزه با پول‌شویی باید به ورطه فراموشی سپرده شوند. مسلماً، چنین تفسیری که امکان آن در ماده ۱۲ مذکور وجود دارد، مانعی جدی در مقابل گسترش همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با پول‌شویی خواهد بود. با بررسی موافقت‌نامه‌های همکاری در امور کیفری که بین ایران و سایر کشورها، بعد از تصویب قانون مارالذکر منعقد شده است به تلقی و برداشت رویه تقنینی (قانون‌گذاری) از این ماده پی برده می‌شود.

همکاری‌های بین‌المللی ایران برای مبارزه با پول‌شویی

موافقت‌نامه‌های متعددی میان ایران و سایر دولت‌ها در خصوص همکاری در امور کیفری منعقد شده است. در این قسمت، با هدف بررسی تأثیر بند ۵ ماده ۴ و ماده ۱۲ قانون مبارزه با پول‌شویی، صرف نظر از ایرادات وارد بر آنها، بر همکاری‌های بین‌المللی در امور کیفری، به بررسی موافقت‌نامه‌های منعقد شده بعد از تصویب این قانون پرداخته خواهد شد.

در میان موافقت‌نامه‌های امضا شده بین ایران و سایر دولت‌ها در زمینه امور کیفری بعد از سال ۱۳۸۶، تنها در پنج موافقت‌نامه همکاری به شرح ذیل، صراحتاً و مستقلاً به همکاری در زمینه مسائل مربوط به پول‌شویی پرداخته شده است: (قانون) موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان، ۱۳۹۳/۲/۱۸؛ (قانون) موافقت‌نامه همکاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان، ۱۳۹۳/۴/۱۵؛ (قانون) موافقت‌نامه مربوط به همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر، ۱۳۹۳/۴/۲۴؛ (قانون) موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی و انتظامی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری تاجیکستان، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵؛ و (قانون) موافقت‌نامه همکاری در زمینه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری لهستان، ۱۳۹۵/۱۰/۱۸.

با توجه و مذاقه در این موافقت‌نامه‌ها و همچنین مقایسه آنها با سایر موافقت‌نامه‌ها نکات چندی روشن می‌گردد؛

نخست اینکه علی‌رغم تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی در سال ۱۳۸۶، تا سال ۱۳۹۳ هیچ

اقدامی در راستای انعقاد موافقت‌نامه‌ای که در آن صراحتاً همکاری در زمینه مبارزه با پول‌شویی مورد توجه قرار گیرد نشده است. برای اولین بار موافقت‌نامه با دولت پاکستان در سال ۱۳۹۳ است که در بند ۳ ماده ۱ (زمینه‌های همکاری) «مبارزه با فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی از قبیل پول‌شویی و بهره‌برداری از عواید و درآمدهای حاصله از فعالیت‌های یادشده» را جزء زمینه‌های همکاری بین دو دولت اعلام می‌کند و در ماده ۲ به روش‌های همکاری بین دو دولت اشاره می‌نماید.

دوم، در مقایسه بین این موافقت‌نامه‌ها و موارد قبلی که در آنها تصریحی به جرم پول‌شویی نشده است، تفاوت بارزی در عنوان‌گذاری دیده می‌شود. اشاره به مسائلی همچون «همکاری‌های امنیتی»، «همکاری ... در زمینه مبارزه با جرایم فراملی»، «همکاری در زمینه امنیت»، «همکاری‌های امنیتی و انتظامی» و «همکاری در زمینه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته» تا قبل از سال ۱۳۹۳ سابقه نداشته است و از این پس است که مفاهیم مورد اشاره مورد توجه قرار می‌گیرند. تا قبل از این بیشتر مفاهیمی کلی همچون معاضدت قضایی در امور کیفری مورد استفاده قانون‌گذار بود. توجه به مفاهیمی همچون امنیت، جرایم فراملی و جرایم سازمان‌یافته که تقریباً می‌توان گفت مفاهیم پر کاربرد حقوق کیفری جهانی شده امروز هستند، نشان از تغییر رویکرد یا حداقل تغییر نگرش قانون‌گذار ایرانی از همکاری اجرایی صرف بین نظام‌های عدالت کیفری، چیزی که مفاهیمی همچون معاضدت قضایی بر آن تکیه دارند، به سوی همکاری کیفری واقعی و ارائه راهکارهایی جهت مبارزه موثر و کارآمدتر با پدیده‌های جدید است. کاربرد این مفاهیم حاکی از این است که قانون‌گذار ایرانی به خوبی دریافته است که اولاً جهان امروز و در ذیل آن ایران بیش از پیش با موج جرایم فراملی و سازمان‌یافته و به لحاظ امنیتی مورد تهدید است تا جرایم سنتی و ثانیا، هدف از همکاری‌های بین‌المللی تنها کمک دولت‌ها به یکدیگر برای حسن انجام وظایف و رسالت‌های خود نیست، بلکه هدف اصلی و متعالی، همکاری جهت ارتقای مبارزه و کارآمدتر شدن آن است. اگر تا قبل از این، دولت‌ها به صورت جزیره‌ای برای مقابله با جرایمی همچون پول‌شویی، تروریسم، قاچاق انسان و مواد مخدر و ... اقدام می‌کردند، اکنون زمان آن فرا رسیده است که با استفاده از ظرفیت‌های همسایگی، منطقه‌ای و جهانی، مبارزه سازمان‌یافته و منسجمی را علیه جرایم مذکور به خصوص جرم پول‌شویی سامان دهند.

البته علی‌رغم توجه قانون‌گذار به چنین مسائلی، نباید از نظر دور داشت که همچنان ایراداتی

اساسی بر این روند وارد است:

اولین ایراد به نوع همکاری‌های پیش‌بینی شده مربوط می‌شود. نوع همکاری‌ای که در این موافقت‌نامه‌ها آمده است عمدتاً شامل؛ تبادل تجربیات، تبادل اطلاعات، تعاملات علمی و دانشگاهی و شناسایی گروه‌ها و افرادی که در ارتکاب جرایم سازمان‌یافته مشارکت داشته‌اند می‌گردد. اموری که بیشتر جنبه ارشادی و در واقع تغذیه‌کننده نهادهای داخلی برای مبارزه با پول‌شویی و سایر جرایم را دارد. چه بسا بتوان گفت که اتخاذ چنین رویکردی در این موافقت‌نامه‌ها برخاسته از روح حاکم بر قانون مبارزه با پول‌شویی و علی‌الخصوص ماده ۱۲ آن باشد. در حالی که همان‌گونه که اشاره شد هدف از انعقاد این موافقت‌نامه‌ها، باید استفاده از ظرفیت‌های برون‌مرزی جهت مقابله با جرایم فراملی سازمان‌یافته و ارتقا و کارآمدتر ساختن این مبارزه باشد. تنها در موافقت‌نامه همکاری بین ایران و چین، پیش‌بینی‌هایی در زمینه اقدامات عملی پیش‌رونده جهت مقابله با جرایم مورد اشاره صورت گرفته است. در ماده ۴ این موافقت‌نامه، به همکاری‌های پلیسی از طریق پلیس بین‌الملل (اینترپل) اشاره شده و مقرر شده است که دفتر مرکزی ملی پلیس بین‌الملل مستقر در ایران و دفتر مرکزی ملی پلیس بین‌الملل مستقر در چین زمینه‌های همکاری خود را افزایش دهند. همچنین در ماده ۵ این موافقت‌نامه، در موارد تفحص و بازجویی، از تشکیل یک گروه مشترک جهت انجام رسیدگی‌ها و در مورد موضوعات مهم از عملیات مشترک سخن به میان آمده است. این دو مفهومی که در این موافقت‌نامه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، از نظر نیل به اهداف واقعی همکاری‌های بین‌المللی در امور کیفری می‌توانند بسیار کارگشا باشند. اما باید توجه کرد که اگرچه در بند ۲ ماده ۵ این توافق‌نامه از اعزام گروه کاری، تشکیل گروه مشترک و عملیات مشترک در رابطه با امور مربوط به تفحص یا بازجویی و رسیدگی سخن به میان آمده ولی به طور دقیق این مفاهیم تعریف نشده‌اند و حوزه هر کدام تبیین نگشته است و تاب تفسیر وسیع را دارد.

ایراد دوم به ماده ۷ این توافق‌نامه مربوط است که به موارد «امتناع از همکاری» اشاره دارد و می‌تواند مانعی جدی و اساسی بر سر راه تفسیر موسع و حتی مانعی بر سر راه این نوع از همکاری‌هایی که اشاره شد باشد. براساس ماده ۷، هرگونه خدشه به حق حاکمیت ملی، قوانین و مقررات داخلی، امنیت ملی یا منافع عمومی، عدم اجرای تمام یا بخشی از درخواست طرف متعاقد را مجاز می‌سازد. با توجه به این دو ماده و مفاهیم به کاررفته در آنها دو نکته اساسی را باید مدنظر قرار داد

که متأسفانه در این توافق‌نامه و همچنین سایر توافق‌نامه‌های منعقد شده بین ایران و سایر کشورها مورد بی‌توجهی و غفلت واقع شده است؛ نخست اینکه مفهوم دقیق انواع همکاری اشاره شده در توافق‌نامه‌ها باید روشن گردد و به طور مثال تبیین شود که منظور از رسیدگی چیست؟ آیا این مفهوم کل فرآیند دادرسی کیفری از مرحله کشف جرم تا تعیین مجازات را دربرمی‌گیرد و بنابراین طرف متعاقد از این امکان برخوردار است که اقدام به رسیدگی نموده و در نتیجه مجوز انجام لوازم آن مانند اخذ تأمین از متهم و ... را داشته باشد یا تنها محدود به مراحل مشخصی از فرآیند کیفری مانند کشف جرم و شناسایی متهمان است؟ دوم و مهمتر اینکه، طیف اقداماتی که می‌تواند تهدیدی علیه موارد پیشگفته مانند حق حاکمیت ملی و ... شود باید به صورت کاملاً دقیق روشن گردد. نباید از نظر دور داشت که امروزه نقطه شروع همکاری‌های بین‌المللی در امور کیفری، گذشت دولت‌ها از حق حاکمیت ملی‌شان است. در دنیای کنونی، که پدیده جهانی شدن رو به افزایش است و در کنار آن سایر پدیده‌های بشری همچون ارتکاب جرایم در حال جهانی شدن و دگرگونی در ابعاد مختلف هستند، دولت‌ها نیز باید به دنبال سازوکارهای کارآمد و پاسخ‌ده در مقابل این تغییر و تحولات باشند که یکی از آنها همین همکاری‌های بین‌المللی و پاسخ‌گویی به جرایم در سطح فراملی است و این مهم امکان‌پذیر نیست جز اینکه کشورها ابتدائاً موانع سر راه را از میان بردارند؛ مهمترین مانع، با توجه به ارتباط تنگاتنگ حقوق کیفری با حاکمیت ملی دولت‌ها و اینکه اعمال حقوق کیفری نمادی از اعمال قاطع حاکمیت در داخل مرزهای یک کشور است، همین حق حاکمیت ملی است. حق حاکمیت ملی که روزگاری نماد قدرت و اقتدار دولت‌ها و پیش‌برنده امور آنان در داخل مرزها و حتی فراتر از آن، در خصوص جرایم مربوط به سرزمین خودشان بود، امروزه با توجه به تحولات رخ داده در شیوه و روش ارتکاب جرایم تبدیل به مانعی جدی بر سر راه مبارزه موثر و کارآمد با جرایم تغییرشکل یافته امروزی شده است. با توجه به این وضعیت، به نظر می‌رسد که اشاره کلی و غیردقیق به حق حاکمیت ملی و مانع شناختن آن برای همکاری در ذیل توافق‌نامه همکاری‌های کیفری بین دو دولت، نقض غرض بوده و حتی می‌تواند توافق‌نامه‌ای را از اعتبار بیاندازد.

سرانجام ایراد آخر، به عدم توجه دولت ایران به جغرافیای مبارزه با جرایم فراملی مربوط است. جرایم فراملی عمدتاً در کشورهای همسایه که دارای مرزهای زمینی مشترک با یکدیگر هستند به وقوع می‌پیوندند. عمده‌ترین مثال در این زمینه قاچاق و ترانزیت مواد مخدر است که از افغانستان و

پاکستان شروع شده و با طی مسیر در ایران و ترکیه و بعضاً سایر کشورها، به دروازه‌های اروپا می‌رسد. در خصوص جرایم دیگر مانند تأمین مالی تروریسم، پول‌شویی، قاچاق انسان و اسلحه و مهمات و ... نیز به همین صورت می‌توان همسایگی و مجاورت کشورها با یکدیگر را به عنوان یک عامل مهم در ارتکاب این جرایم در چندین کشور دانست. همان گونه که در پرونده متهم نفتی نیز پول‌شویی‌های انجام گرفته توسط وی بیشتر در دو کشور ترکیه و تاجیکستان و سایر کشورهای مجاور ایران بوده است. بنابراین در مبارزه با این جرایم نیز، چنانچه دولتی بخواهد از ظرفیت‌های بین‌المللی استفاده نماید اولویت خود را باید بر روی دولت‌های همسایه و یا مجاور متمرکز کند. دولت‌هایی که خود نیز به طور بالفعل درگیر جرایم مذکور بوده و آماده همکاری برای مقابله با آنها هستند. در این خصوص از پنج توافق‌نامه مورد اشاره دو مورد اختصاص به کشورهای پاکستان (همسایه ایران) و تاجیکستان (مجاور ایران) دارد، دو مورد با کشورهای چین و لهستان است که فاصله نسبتاً زیادی با مرزهای ایران دارند و یک مورد هم که به صورت چندجانبه بین دولت‌های ایران، ترکمنستان، روسیه، آذربایجان و قزاقستان در خصوص امنیت دریای خزر منعقد شده است. در نتیجه، فقط در سه مورد از توافق‌نامه‌های مذکور به جایگاه جغرافیا در مبارزه موثر با جرایم فراملی توجه شده است که در رابطه با موافقت‌نامه دریای خزر این توجه، سازمان‌یافته‌تر و منسجم‌تر است.

اما صرف نظر از ایرادات مورد اشاره که تأثیر منفی مواد ۴ و ۱۲ قانون پول‌شویی بر آنها کاملاً مشهود است، توجه قانون‌گذار به این ابعاد از همکاری‌های کیفری بین‌المللی حاکی از تحولاتی در نوع نگرش سیاست کیفری ایران به مقوله مبارزه با جرایم فراملی از جمله پول‌شویی است. تغییر لحن قانون‌گذار در قالب توافق‌نامه‌ها از معاضدت قضایی صرف به عناوین تخصصی‌تر همچون «همکاری ... در زمینه مبارزه با جرایم فراملی» و «همکاری در زمینه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته» نشان از این دارد که سیاست‌گذاری کیفری ایران اولاً به اینکه امروزه جرایم، بیشتر به سوی سازمان‌یافتگی و فراملی شدن حرکت کرده‌اند آگاهی یافته و آن را قبول کرده است و ثانیاً، به ناتوانی دولت‌ها در پاسخ‌گویی به این جرایم به صورت انفرادی نیز پی برده و سعی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه بین‌المللی دارد. این یافته‌ها، نوید آن است که رویکرد همکاری بین‌المللی برای مقابله با جرایم فراملی مانند پول‌شویی ارتقا خواهد یافت و این امر نیازمند طرح و برنامه‌ای مدون است که آن نیز باید مبتنی بر ضوابطی باشد که می‌توان از آنها با عنوان اصول راهبردی

حاکم بر همکاری‌های کیفری بین‌المللی و انعقاد موافقت‌نامه‌های مربوطه یاد کرد. در قسمت بعدی به آنها پرداخته می‌شود.

تبیین مدل برای همکاری منطقه‌ای در مبارزه با پول‌شویی

در این قسمت، برای رسیدن به مدل همکاری آرمانی جهت مبارزه با پول‌شویی که دولت ایران نیز نقش اساسی در آن داشته باشد و یا حتی بتواند ابتکار عمل آن را بر عهده گیرد، ابتدائاً چندین مقدمه ذکر می‌شود که به منزله اصول راهبردی در همکاری‌های بین‌المللی هستند، سپس نتیجه نهایی یا همان مدل نهایی ارائه می‌گردد. البته باید یادآوری کرد که منظور از نتیجه یا مدل نهایی، تصویر کلی مدل به همراه اصول و ضوابطی است که حتماً باید رعایت گردند و نه جزئیات یا طرح و الگویی جامع، با توجه به عدم امکان بسط مقاله.

اصول راهبردی در تبیین مدل همکاری

اصل نخست، توجه به جغرافیای مبارزه با جرایم فراملی در انعقاد موافقت‌نامه‌های همکاری بین‌المللی در امور کیفری است. البته در این خصوص دو نکته را نباید از نظر دور داشت: نخست اینکه توجه به جغرافیا در انعقاد این موافقت‌نامه‌ها، به معنای بیهوده بودن یا بی‌فایده بودن انعقاد موافقت‌نامه با کشورهای غیرهمسایه و غیرمجاور نیست، بلکه اصول فوق‌الذکر و از جمله توجه به جغرافیا، صرفاً در جهت تبیین راهبردهای اصلی هستند، با این فرض که معمولاً جرایم فراملی در حوزه جغرافیای چندین کشور همسایه و مجاور رخ می‌دهند و برخورد فیزیکی مناسب با آنها نیز در همین حوزه باید طرح‌ریزی و اجرا شود. بدیهی است که در زمینه همکاری‌های ابتدایی و در واقع سازمان‌دهی اولیه مبارزه با جرایم فراملی و به خصوص از نظر مبادله تجارب و اطلاعات، انعقاد این موافقت‌نامه‌ها با کشورهای غیرهمسایه و غیرمجاور توصیه می‌گردد. با توجه به مطالب مذکور، در مبارزه با جرایم فراملی که بستر ارتکاب آنها بیشتر فضای مجازی است و جغرافیای فیزیکی چندان نمی‌تواند بر آنها تأثیرگذار باشد، انعقاد موافقت‌نامه با کشورهای مجاور و همسایه در اولویت نیست بلکه اولویت، همکاری با دولت‌هایی است که دارای فناوری پیشرفته در این زمینه‌اند یا در معرض تهدیدهای مشترک با آنچه که در کمین ایران است هستند.

با توجه به آنچه گفته شد در همکاری بین دولت‌ها برای مبارزه با پول‌شویی موقعیت جغرافیایی دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

اصل دوم، توجه به وجود منافع و ارزش‌های مادی مشترک بین دولت‌های طرف همکاری در یک قالب مشترک است و چه بسا بتوان گفت که وجود این منافع و ارزش‌ها در قالب سازمان یا نهادی مشخص می‌تواند پشتیبان قوی و جدی‌ای برای شکل‌گیری همکاری‌های بین‌المللی و همچنین ارتقای آنها باشد. البته قابل توجه است که بدون وجود منافع و ارزش‌های مشترک، ضرورت و فایده همکاری‌های بین‌المللی منتفی نخواهد بود. ولی چنانچه علاوه بر انعقاد موافقت‌نامه، جامه عمل پوشیدن آن نیز مدنظر باشد، به نظر می‌رسد که وجود یک پیش‌زمینه و منافی که از قبل طرفین یک موافقت‌نامه روی آنها به توافق رسیده باشند در پیشبرد همکاری‌های بین‌المللی سهم‌به‌سزایی می‌تواند داشته باشد. بنابراین در مبارزه با پول‌شویی نیز وجود منافع و ارزش‌های مشترک بین دولت‌ها که پشتیبان عزم آنها در مبارزه با پول‌شویی می‌باشد، عاملی تعیین‌کننده در موفقیت این مبارزه خواهد بود.

سرانجام اصل سوم، توجه لازم و کافی به ضرورت‌های مبنایی همکاری‌های بین‌المللی در امور کیفری است. مهمترین این امور، حاکمیت ملی کشورهاست که تا حدودی و در مواردی، البته کاملاً ضابطه‌مند و قانون‌مدار، به منظور مقابله با تهدیدهای فراملی باید مورد تعریف مجدد و تجدیدنظر قرار گیرد. تا زمانی که دولت‌ها، از جمله دولت ایران، از حاکمیت ملی صددرصدی خود نزول نکرده و به منظور تأمین منافع خود برخی از اختیارات حاکمیتی خود در امور کیفری را، البته به صورت متقابل، به دولت‌های دیگر واگذار ننماید، امکان همکاری بین‌المللی موثر فراهم نخواهد شد. دقت در این نکته لازم است که بدون این واگذاری نیز همکاری بین‌المللی در ابعاد مختلف برقرار خواهد شد، اما کارآمدی و تأثیری که از یک همکاری بین‌المللی واقعی انتظار می‌رود و لازمه رسیدن به هدف اصلی آن، یعنی مبارزه با جرایم فراملی است به وقوع نخواهد پیوست. دولت‌ها باید برای تأمین منافع و اهداف خود از بخشی از حاکمیت ملی خود صرف نظر نمایند.

با توجه به اهمیت مبارزه با پول‌شویی که هم جرم مستقل بوده و هم زمینه‌ساز ارتکاب جرایم دیگری همچون تروریسم و فساد است، ایجاد ساختاری منسجم و بهره‌گیری از تمامی امکانات داخلی و خارجی برای مبارزه موثر و کارآمد با این پدیده ضروری می‌نماید و وقت آن رسیده

است که مبارزه با پول‌شویی در بُعدی فراملی دنبال شود. به قول ویکتور هوگو، نویسنده شهیر فرانسوی؛ هیچ چیز قوی‌تر از اندیشه‌ای که زمانش فرارسیده باشد نیست (Tiba, 2016: 548). بنابراین برای مبارزه با این جرم، مدلی از همکاری‌های کیفی بین‌المللی باید تدوین و تبیین گردد که موضوع قسمت بعدی است.

مدلسازی منطقه‌ای برای مبارزه با پول‌شویی و بستر آن

با توجه به این اصول، بهترین پیشنهادی که می‌توان برای مدلسازی منطقه‌ای جهت مبارزه فراملی موثر با پول‌شویی ارائه کرد، همکاری دولت‌های عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو می- باشد. با این توضیح که؛ در تناظر با مقدمه اول، دولت‌های عضو این سازمان، همان گونه که در نقشه منطقه اکو مشاهده می‌شود، دارای مرزهای مشترک با یکدیگر بوده و به طور کامل یک منطقه همسایگی را تشکیل می‌دهند. نزدیکی جغرافیایی بین دولت‌های همکاری کننده باعث می‌شود که ارتباطات فیزیکی بین آنها، مانند فعالیت‌های پلیسی مشترک جهت کشف جرم و ادله، انتقال آسان‌تر مظنونان و متهمان و ... سریع‌تر و موثرتر انجام گیرد. همچنین با توجه به اینکه ویژگی فرامرزی بودن جرایم فراملی، بیشتر در حوزه یک منطقه قابلیت خودنمایی دارد و در کمتر مواردی پیش می‌آید که منظور از منطقه وقوع جرم، کشورهایی باشند که با هم مرزهای مشترک ندارند، به طور مثال جرایم سایبری، این نزدیکی جغرافیایی راه را برای تدوین برنامه‌های مشترک و اجرای آنها هموار می‌سازد. در منطقه اکو، همبستگی جغرافیایی به نحو احسن وجود داشته و از این جهت می‌تواند کمک موثری در سازمان دادن مبارزه فراملی موثر علیه پول‌شویی باشد.

لازم به توجه است که یکی از ابعاد بسیار مهم همکاری در حقوق کیفری فراملی و در واقع یکی از ابزارهای اصلی اجرای این حقوق، همکاری نیروهای پلیس دولت‌هاست. مطمئناً زمانی امکان عملی همکاری نیروهای پلیس وجود خواهد داشت که شرایط جغرافیایی نیز این امکان را فراهم آورد و یا حداقل مانعی بر آن نباشد. از این جهت نیز وضعیت جغرافیایی دولت‌های عضو اکو که تقریباً می‌توان گفت همگی دارای مرزهای مشترک مستقیم یا با واسطه با همدیگر می‌باشند زمینه عملی همکاری نیروهای پلیس را فراهم می‌نماید. در این ارتباط در سومین نشست وزرای

کشور (داخلی) اکو که در دسامبر ۲۰۱۰ در استانبول ترکیه برگزار شد دولت‌های عضو تصمیم جدی خود مبنی بر تأسیس پلیس مشترک کشورهای اکو تحت عنوان اکوپول^۱ را اعلام داشته و مقدمات انجام آن را شروع نمودند. در چارچوب اجرایی سند چشم‌انداز ۲۰۲۵ اکو نیز مقرر شده است که در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۷ مصوبه مربوط به تأسیس اکوپول نهایی شود. تمامی این اقدامات نشان از عزم جدی دولت‌های عضو اکو برای همکاری‌های کیفری دارد.

در رابطه با مقدمه دوم، لازم به ذکر است که اساس شکل‌گیری اکو حمایت از منافع و ارزش‌های اقتصادی مشترک بین اعضای آن و گسترش روابط تجاری بوده است. بند الف ماده ۲ عهدنامه از میر ۱۹۹۶^۲ ارتقای شرایط برای توسعه اقتصادی پایدار و براین اساس افزایش سطح زندگی و رفاه در کشورهای عضو از طریق بسیج امکانات بالقوه اقتصادی و اجتماعی منطقه را یکی از اهداف سازمان اکو اعلام می‌کند. در سایر بندهای همین ماده نیز که بیانگر اهداف سازمان می‌باشند به حذف تدریجی موانع تجارت در منطقه، تشویق همکاری‌های اقتصادی فزاینده، ارتقای همکاری منطقه‌ای فعال و کمک متقابل در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و ... و توسعه همکاری منطقه‌ای برای ریشه‌کنی مصرف نابجای مواد مخدر اشاره شده است. با توجه به تمامی این اهداف، رسالت اصلی اکو را می‌توان به پیشبرد تجارت منطقه و به ارمغان آوردن توسعه پایدار اقتصادی-اجتماعی خلاصه کرد و در نتیجه حذف موانع گسترش تجارت و همچنین موانع پیش‌روی همسویی با جریان تجارت جهانی را لازمه آن دانست. یکی از موانع جدی که می‌تواند مسیر تجارت و به طور کلی وضعیت اقتصادی منطقه را دگرگون و از مسیر اصلی خود منحرف سازد ورود پول‌های با منشأ نامشخص و اغلب کثیف به این جریان است. پول‌شویی با توجه به آثاری که دارد، می‌تواند تهدیدی جدی و مانعی مستقیم بر سر راه تحقق اهداف سازمان اکو باشد. از این رو مبارزه با این جرم را می‌توان در زمره اولویت‌های آن برشمرد.

دلیل دیگری که می‌توان بر امکان و ضرورت مقابله با جرم پول‌شویی در چهارچوب سازمان

1- Ecopol

۲- منشور بنیادی سازمان همکاری اقتصادی اکو عهدنامه از میر منعقد در سال ۱۹۷۷ بین دولت‌های ایران، ترکیه و پاکستان است که دو نوبت در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۲ اصلاح شده است و نهایتاً در سال ۱۹۹۶ بعد از پیوستن کشورهای افغانستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان، مجدداً اصلاح شد.

اگو اقامه کرد، مقدمه این سند است که تصدیق می‌کند صلح و ثبات یکی از پیش‌نیازهای همکاری اقتصادی است. بنابراین این سازمان نه به صورت منفعل، بلکه فعالانه باید در راستای تحقق این صلح و ثبات در حوزه‌ای که به تجارت و اقتصاد مربوط می‌شود گام بردارد که نمونه بارز آن همان مبارزه با پول‌شویی است.

سومین دلیل را می‌توان در سایر فعالیت‌های سازمان اگو مشاهده نمود؛ نمونه بارز آن تأسیس مرکز منطقه‌ای همکاری دستگاه‌های مبارزه با فساد و نهادهای نظارتی (آمودزمانی) کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اگو است. تأسیس این نهاد اقدامی عملی و در واقع نقطه عطفی بود در رویه سازمان اگو برای هموار کردن مسیر تجارت در منطقه. برای اولین بار بود که سازمان اگو به طور مستقیم، مبارزه با یک ظاهر از جرایم را به عنوان یکی از فعالیت‌های تبعی خود قرار داده و برای آن ساختار منسجمی را طراحی نمود.

در بند ۱ ماده ۳ اساسنامه تأسیس این مرکز، تقویت اقداماتی به منظور پیشگیری و مبارزه با فساد به شکلی موثرتر و کارآمدتر، به عنوان یکی از اهداف اصلی این مرکز ذکر شده است. در بندهای بعدی نیز اهداف دیگری که به بحث پیشگیری و مبارزه با فساد مربوط می‌شوند ذکر شده‌اند مانند: ترغیب، تسهیل و حمایت از همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی و ارائه کمک فنی در زمینه ... پیشگیری و مبارزه با فساد، ایجاد هماهنگی و ارتقای همکاری میان سازمان‌های مبارزه با فساد، تدوین استانداردهای مشترک همکاری در جهت مبارزه با فساد و تأسیس مرکز مذکور با چنین اهدافی حاکی از تحولی اساسی و تاریخی در نگرش سازمان اگو به ملزومات گسترش تجارت و بهبود وضعیت اقتصادی در منطقه اگو است. یعنی کشورهای عضو اگو نیز به این باور رسیده‌اند که ارتکاب جرایم و گسترش آنها با تهدیدات مستقیم و غیرمستقیمی که می‌تواند نسبت به وضعیت تجاری و اقتصادی کشورهای منطقه داشته باشد مانع از رسیدن سازمان به اهداف خود خواهد شد.

حال با توجه به توضیحاتی که در ابتدای مقاله در خصوص ارتباط بین فساد و پول‌شویی عنوان شد و می‌توان آن را در این عبارت خلاصه کرد که: «پول‌شویی می‌تواند هم نتیجه فساد باشد و هم اینکه زمینه را برای آن فراهم نماید»، به اهمیت مبارزه با پول‌شویی در راستای مبارزه کارآمد با فساد نیز پی برده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که پول‌شویی هم فی‌نفسه و هم به لحاظ ارتباط با سایر جرایم و از جمله فساد باید مورد توجه سیاست‌گذاران کیفی قرار گیرد.

علاوه بر تأسیس این مرکز و همچنین تلاش برای تأسیس اکوپل، اقدامات دیگری نیز مد نظر اکو قرار دارد که می‌تواند آن را هر چه بیشتر به بستر مناسب پیاده‌سازی حقوق کیفری فراملی در منطقه همسایگی ایران تبدیل نماید.

از جمله این اقدامات که در چارچوب اجرایی سند چشم‌انداز ۲۰۲۵ اکو مقرر شده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برگزاری منظم نشست‌های دادستان‌های کل دولت‌های عضو اکو در بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۸ برای هماهنگی سیاست‌های کیفری دولت‌ها؛
- اتخاذ تدابیر و تمهید ترتیباتی برای همکاری منطقه‌ای از جمله تصویب کنوانسیون منطقه‌ای برای همکاری‌های معاضدت قضایی/حقوقی تا سال ۲۰۲۵؛ و
- اجرایی نمودن سازوکارهای نهادی برای تسهیل همکاری‌های منطقه‌ای تا ۲۰۲۵.

به نظر می‌رسد وجود چنین امکانات و زمینه‌هایی در اکو بهترین ظرفیت فراملی است تا از طریق آن نظام حقوقی ایران بتواند با ابتکار عمل خود، نظام و الگویی فراملی برای مبارزه با جرم پول‌شویی سازمان دهد. مسلماً چنین عملی هم در راستای قوانین و مقررات و سیاست‌های کیفری داخلی ایران (که قبلاً بررسی شد) است و هم اینکه با سیاست‌های کیفری اکو نیز سازگار است. بنابراین از شانس موفقیت بالایی می‌تواند برخوردار باشد.

در نهایت، در توضیح مقدمه سوم گفتنی است، به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت سیاسی حاکم بر کشورهای عضو اکو، حق حاکمیت که حقوق کیفری نمود بارز آن است همچنان به عنوان یک مانع جدی خودنمایی خواهد کرد. بنابراین مناسب‌ترین نظام برای مبارزه فراملی با جرم پول‌شویی در منطقه اکو، مدل همکاری بین دولت‌ها، در قالب سازمان همکاری اقتصادی اکو است!

۱- مشابه این رویکرد در سازمان‌های منطقه‌ای دیگر نیز مشاهده می‌شود. به طور مثال سازمان BIMSTEC (The Bay of Bengal Initiative for Multi-Sectoral Technical and Economic Cooperation) به فارسی معادل سازمان ابتکار خلیج بنگال برای همکاری چندبُعدی فنی و اقتصادی، متشکل از کشورهای بنگلادش، بوتان، هند، نپال، سری-لانکا، میانمار و تایلند در سال ۱۹۹۷ با هدف توسعه رشد اقتصادی و بهبود آن و همچنین انجام اقدامات مشترک بین اعضا در تمامی زمینه‌های مشترک المنافع جهت کاهش آثار مخرب جهانی شدن و استفاده از منابع منطقه‌ای و مزایای جغرافیایی به وجود

مجددا شاید این پیشنهاد مطرح گردد که در قالب اکو می توان حتی به پیاده نمودن مدل مافوق ملی نیز اندیشید ولی باید در نظر گرفت که فارغ از تمامی اهمیتی که برای مبارزه با جرم و به خصوص پول شویی در راستای از بین بردن موانع تجارت و ارتقای آن ذکر شد، کماکان این سازمان یک ارگان و نهاد تجاری-اقتصادی است. کارکرد اصلی آن پیشبرد اقتصاد دول عضو و فراهم نمودن زمینه های گسترش تجارت است و مبارزه با جرم نیز یک هدف فرعی یا به عبارت دیگر یک ابزار جنبی در این مسیر است.

همچنین باید توجه داشت که در طراحی مدل مافوق ملی، یکی از شروط اصلی وجود مرجعی اصلی و مرکزی برای سیاست گذاری و به تعبیر حقوق داخلی، قانون گذاری برای تمامی اعضا و زیرمجموعه خود است؛ نهادی که صرفا با همین منظور و برای سامان دهی امور کیفری و مبارزه با جرم و پیشگیری از آن به وجود آمده و کار نماید. چنین نهادی در حال حاضر در منطقه اکو وجود ندارد. زیرا همان گونه که گفته شد، اولویت اکو و فلسفه وجودی آن سازمان دهی امور اقتصادی است.

علاوه بر دلایل فوق، در مدل مافوق ملی به نوعی تمامی مرزها بین دول عضو برداشته شده و خاک تمامی دولت ها به عنوان قلمروی اجرای قوانین و مقررات پیش بینی شده شناخته می شود. بنابراین پیاده کردن این مدل نیازمند وجود چنین فضایی و یا حداقل پیش زمینه ای برای ایجاد چنین فضایی است؛ مانند آنچه که در اتحادیه اروپا با توجه به وجود پیمان شنگن و برداشته شدن مرزها

آمد (به نقل از: <http://bimstec.org/overview/>). در آخرین نشست که توسط زیرگروه ضد پول شویی و مبارزه با تأمین مالی تروریسم این سازمان برگزار گردید، موضوعات زیر مورد بحث قرار گرفتند: ارزیابی همکاری ها در مبارزه با پول شویی و تأمین مالی تروریسم، تهدیدهای سایبری برای بخش های پولی، چرخش مالی غیرقانونی، توسعه منابع انسانی و ایجاد ظرفیت برای مبارزه با پول شویی و تأمین مالی تروریسم و توسعه چهارچوب حقوقی و قواعد و مقررات بین اعضا و تدوین برنامه های آینده (به نقل از: <http://yadanabonnews.com/dailynews/international/item/14475-anti-money-laun-dering-and-combat-ing-financing-of-terrorism-discussed>). بنابراین می توان گفت که این سازمان نیز علی رغم اینکه دارای اهداف اقتصادی بوده و برای توسعه تجارت و بهبود وضعیت اقتصادی اعضا به وجود آمده است، از آنجایی که جرایم فراملی و به خصوص پول شویی و تأمین مالی تروریسم با توجه به آثار مخربی که بر جریانات و بازارهای مالی دارند به عنوان مانع نیل به این اهداف شناسایی می شوند، به تدوین برنامه های منسجم و منظم برای مبارزه با این جرایم روی آورده است.

بین کشورهای اروپایی وجود دارد. در قالب سازمان همکاری اقتصادی اکو هیچ گونه مقدمه‌ای برای این منظور در میان دول منطقه وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در عرصه حقوق کیفری فراملی، برای مبارزه با جرم فراملی دو مدل اصلی پیشنهاد می‌گردد؛ مدل مافوق ملی و مدل همکاری. ویژگی اصلی مدل مافوق ملی تمرکز امور در نهادی مافوق دولت‌ها و متشکل از نمایندگان آنهاست تا بتوانند در امور کیفری سیاست‌گذاری نموده و اجرای آنها را از نظام‌های ملی درخواست کنند. اما در مدل همکاری که خود به سه شکل قابلیت سازمان-دهی دارد، تأکید اصلی بر هماهنگی و ارتباط بین دولت‌ها و به نوعی شناسایی نظام قضایی آنها توسط همدیگر است تا از این طریق بتوان با جرایم فراملی مبارزه موثر و کارآمد نمود. در حوزه همسایگی ایران بهترین مدل برای استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی در مبارزه با پول‌شویی، مدل همکاری بر اساس به رسمیت شناختن متقابل تصمیمات قضایی است. برای اثبات مناسب بودن این روش، دو روش دیگر با ارائه توضیحاتی رد می‌شوند؛ به این شرح که نوع اول از همکاری (کلاسیک)، در اصل همان مفهوم عام و ابتدایی از همکاری میان دولت‌ها برای مقابله با جرایم است. یعنی میان دولت‌ها، دوه‌دو یا به صورت جمعی، قرارداد همکاری منعقد می‌گردد و هر دولت در مقابل دول دیگر مسئول انجام مفاد تعهدات و تکالیف ناشی از توافق خواهد بود. این نوع، هم اکنون میان ایران و برخی از کشورهای منطقه برقرار است و اگرچه می‌تواند و یا شاید توانسته است در مواردی موفق عمل کند، اما باید توجه داشت که این مدل هیچ‌گونه ساختار و انسجامی را به همکاری میان دولت‌ها اعطا نمی‌کند و همکاری را کارآمدتر و موثرتر نمی‌نماید. بلکه تنها شروع‌کننده همکاری میان دولت‌هاست. در حالی که آنچه از یک مدل انتظار می‌رود پشتیبانی همکاری، برنامه دادن برای آن و محرک بودن است. مدل که همان ساختار و سازمان است باید به گونه‌ای باشد که نقش هدایت نیز در ذیل آن ایفاء شود.

در رابطه با نوع سوم از همکاری نیز که موسوم به همکاری بر مبنای کاربرد وسیع مستقیم است، با توجه به اینکه چنین همکاری‌ای نیازمند سطح گسترده و بالایی از اعتماد قضایی بین دولت‌هاست و در در رابطه با دول عضو اکو، چنین وضعیتی حاکم نیست و اختلافات سیاسی و حقوقی متعدد و گاه عمیقی میان آنها وجود دارد، استفاده از آن چندان کارآیی و وجهی نخواهد

داشت. در واقع به احتمال زیاد زمینه اجرای چنین همکاری‌ای اصلاً به وجود نیامده و یا در صورت شروع چنین همکاری‌ای، در همان مراحل ابتدایی به بن‌بست برخورد کرده و متوقف خواهد شد. بنابراین با حذف این دو نوع و با توجه به ویژگی‌های مثبت نوع دوم، به نظر می‌رسد که همکاری مبتنی بر رسمیت شناختن متقابل تصمیمات قضایی با طی فرآیندهای تقاضا و تصویب مناسب‌ترین مدل برای همکاری دولت‌های عضو اکو جهت مقابله با جرم پول‌شویی باشد. اما مدلی که برای همکاری در منطقه همسایگی ایران طراحی می‌گردد جهت دسترسی به اهداف مورد نظر که همانا مقابله موثر و کارآمد با پول‌شویی است باید ویژگی‌هایی داشته باشد. در غیر این صورت از همکاری، سودی عاید منطقه نشده و تأثیری بر میزان ارتکاب پول‌شویی نخواهد داشت. این ویژگی‌ها عبارتند از:

توجه منطقی و مقتضی به اصل حاکمیت ملی دولت‌ها؛ در طول مقاله با جوانب منفی این اصل که می‌تواند مانعی بر سر راه همکاری باشد آشنا شدیم. اما نباید از نظر دور داشت که عدم توجه مقتضی به این اصل، همکاری را از ابتدا با شکست سنگین و اساسی روبه‌رو خواهد نمود. در حقوق همکاری‌های بین‌المللی، همچنان رویکرد دولت‌محور حاکم بوده و اصولی همچون حاکمیت ملی دولت‌ها، مصونیت مقامات سیاسی عالی از تعقیب، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌های دیگر و ... در تنظیم روابط بین دولت‌ها تعیین‌کننده هستند. بنابراین در تدوین مدلی برای همکاری در منطقه اکو نیز این اصل اساسی باید مبنای قرار گیرد. عدم توجه دقیق و کافی به موقعیت این اصل در مدل می‌تواند چالشی جدی بر سر راه تحقق اهداف مورد نظر از مدل باشد.

توجه به کل مراحل فرآیند کیفری در تدوین مدل همکاری؛ این امر از اهمیت بسیاری برخوردار است. فرآیند کیفری همان‌گونه که از نامش پیداست، یک خط و مسیر پشت سر هم و وابسته به یکدیگر است. اگر هدف، به نتیجه رسیدن این فرآیند کیفری باشد، باید تمامی مراحل آن به صورت هماهنگ با یکدیگر و تقویت‌کننده هم باشند. بنابراین همکاری بین دولت‌ها نیز باید در کل این فرآیند صورت گیرد. نمی‌توان مراحل از آن را جدا کرد و تنها در آن موارد به استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی روی آورد. اگرچه این همکاری نیز شاید بتواند تحولاتی را ایجاد نماید اما تأثیر چندانی بر کیفیت مبارزه با پول‌شویی، حداقل در بُعد فراملی آن نخواهد داشت. مدل همکاری باید از مرحله کشف جرم و اقدامات و اختیارات پلیس شروع شده و تا مرحله اجرای حکم ادامه پیدا کند.

اثر مهم دیگر همکاری در تمام مراحل فرآیند کیفری، ضروری شدن توجه دولت‌ها به حقوق متهم در مبارزه با پول‌شویی است. نباید از نظر دور داشت که مظنونان پول‌شویی نیز اگرچه مورد تعقیب بوده و اسناد و مدارک فراوانی علیه آنها وجود داشته باشد و حتی فرض مجرمیت در مورد آنها اعمال شود، همچنان مورد حمایت اصل قدرتمندی به نام اصل برائت هستند. ایجاد مدل و الگو برای مقابله با جرایم فراملی مانند پول‌شویی به معنای شدت عمل بی حد و مرز که منجر به نادیده گرفتن حقوق مظنونان و متهمان شود نیست. هدف از پیاده نمودن مدل، تقویت ابعاد شکلی و بعضاً ماهوی مبارزه با پول‌شویی با رعایت تمامی اصول دادرسی منصفانه و عادلانه است. باید توجه کرد که همکاری برای اجرای حقوق صورت می‌گیرد نه برای نقض دسته‌جمعی حقوق شهروندان مظنون به ارتکاب جرم پول‌شویی.

چنین رویکردی به تدوین مدل شاید منجر به شکل‌گیری دادرسی افتراقی نسبت به جرم پول‌شویی در سطح منطقه گردد اما بی شک این رویکرد نیز با توجه به ضرورت تأمین متعادل منافع طرف‌های درگیر در امر کیفری توجیه خواهد داشت.

عدم ممنوعیت همکاری‌های دوجانبه یا چندجانبه بین خود اعضا و اعضا با سایر کشورها؛ اصل دیگری که در ساخت مدل نقش تعیین‌کننده داشته و می‌تواند کارآمدی آن را بالا ببرد، مانع نبودن این مدل از انعقاد توافق‌نامه‌های دیگر و در نتیجه همکاری‌های کیفری بین خود اعضا و اعضا با دولت‌های خارج از اکو است. البته باید در نظر داشت که این توافق‌نامه‌ها نباید برخلاف اصول و اهداف مدل همکاری اکو باشند. انعقاد چنین توافق‌نامه‌هایی به خصوص با دولت‌های خارج از اکو باعث قدرتمندتر شدن و موثرتر شدن مبارزه با پول‌شویی می‌گردد. زیرا تجارب و راهکارهای جدید اندوخته شده و زمینه‌های عملی بیشتری برای ارزیابی اقدامات علیه پول‌شویی به وجود می‌آید.

References

- [1] Bagherzadeh, Ahad. (2016). *Comparative Study of Money-laundering*, Tehran, Mizan Publication, 3rd Edition. (in Persian)
- [2] Bartlett, B. L. (2002), *The Negative Effects of Money Laundering on Economic Development*, An Economic Research Report: The Asian Development Bank Regional Technical Assistance Project No. 5967 *Countering Money Laundering in the Asian and Pacific Region*.
- [3] Boister, Neil (2003), *Transnational Criminal Law*, *European Journal of*

- International Law, No. 14.
- [4] Boister, Neil (2012), *An Introduction to Transnational Criminal Law*, Oxford University Press.
- [5] Gholami, Ali & Pourbakhsh, Mohammadali. (2011). *Combatting Money-laundering in Iranian Laws and International Instruments, The Review of the Study of Islamic Economy*, Number 7, Autumn and Winter, pp. 93-120. (in Persian)
- [6] Gounev, P. and Bezlov, T (2010), *Examining the Links between Organised Crime and Corruption*, *Trends in Organized Crime*, Vol. 13, No. 4.
- [7] Hemmati, Mohammadbagher. (2012). *Preventive Measures and Punishments in the Law of Combatting Money-laundering*, Tehran, Khorsandi Publication, 1st Edition. (in Persian)
- [8] <http://bimstec.org/overview/>
- [9] <http://yadanabonnews.com/dailynews/international/item/14475-anti-money-laundering-and-combat-ing-financing-of-terrorism-discussed>
- [10] Karsai, Krisztina (2008), *The Principle of Mutual Recognition in the International Cooperation in Criminal Matters*, *Zbornik Radova*, No. 42.
- [11] Mitsilegas, V. (2006), *Countering the chameleon threat of dirty money: 'hard' and 'soft' law in the emergence of a global regime against money laundering and terrorist financing*; in: Edwardsand, A. & Gill, P. (eds.), *Transnational Organised Crime: Perspectives on Global Security*, Oxon: Routledge.
- [12] Safferling, Christoph (2009), *Europe as Transnational Law – A Criminal Law for Europe: Between National Heritage and Transnational Necessities*, *German Law Journal*, Vol. 10, No. 10.
- [13] Saki, Mohammadreza. (2016). *An Introduction to Money-laundering*, Tehran. Judiciary Press and Publication Center, 2nd Edition. (in Persian)
- [14] Schneider, F. and Windischbauer, U. (2008), *Money Laundering: Some Facts*, *European Journal of Law and Economics*, Vol. 26, No. 3.
- [15] Sieber, Ulrich (2009), *Die Zukunft des Europäischen Strafrechts, Ein neuer Einsatz zu den Zielen und Modellen des europäischen Sttrafrechtssystems*, *Zeitschrift für die gesamte Strafrechtswissenschaft*, No. 121, Heft 1.
- [16] Sieber, Ulrich (2009), *Objectives and Models of Transnational Criminal Law*, BKA (Bundeskriminalamt) Autumn Conference, Wiesbaden, November 25.
- [17] Sieber, Ulrich (2010), *Legal Order in a Global World, The Development of a Fragmented System of National, International and Private Norms*, in: Von Bogdandy, A. & Wolfrum, R., *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, Vol. 14.
- [18] Tiba, Firew Kebede (2016), *Regional International Criminal Courts: An Idea Whose Time Has Come?*, *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, Vol. 17.
- [19] Utama, Paku (2010), *International Cooperation Calling as an Urge in Fighting International Financial Organised Crime; Global Corruption*, *Indonesian Journal of International Law*, Vol. 7, No. 2.
- [20] Yepes-Enriquez, Rodrigo and Tabassi, Lisa (Edited by) (2002), *Treaty Enforcement and International Coopeartion in Criminal Matters*, T.M.C. Asser

Press.

- [21] Yousefi Sadeghlou, Ahmad & Daneshjou, Hamed. (2016). The Challenges and Weakness of Combatting Money-laundering in Iranian Law, The Review of Researches of Private and Criminal Law, Number 29, Autumn, pp. 53-72. (in Persian)





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی